

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

افغان عامی

۱۱ دسمبر ۲۰۱۱

«تاکسین» و «واکسین»

به ارتباط شبناڼه نویس

حملات بزدلانه و ناجوانمردانه یک «شبنامه نویس» خبیث و بی وجدان بر یکی از شخصیت های صدیق انقلابی و وطنپرست شناخته شده کشور ما ، جناب «موسوی» ، یکی از نهادهای مبارزاتی مشهور و محبوب افغانستان، دیگر بر هیچ افغان فهیم و با احساس پنهان نیست. من به دنبال خشم و غضب از آن بابت ، موازی با عکس العمل های دلیرانه و دندان شکن محترم آقای «موسوی» و پیام های همدردی و همبستگی هموطنان با ایشان (که من با هر کدام آنها خود را هم نامی یافتم) ، موضوع را همزمان با محکوم نمودن آن ، با دلچسبی تعقیب می نمودم. دلچسبی بدین معنی که با اولین شلیک بیباکانه «گلوه» در پاسخ «شبنامه نویس» بی حیا توسط شخصیت فاضل و دانشمند - آقای «موسوی» - معادله علناً به ضد «شبنامه نویس» تغییر نموده (که طبعاً همان طور باید می بود) و از همان لحظه ناقوس رسوائی «شبنامه نویس» به صدا درآمد.

«شبنامه نویس» که مسلماً تا حال صدها بار شاید به خود به سبب ناکام شدن توطئه اش لعنت فرستاده باشد ، چنان از چار سوزیر آتش تویخ و تشهیر قرار گرفته است که اگر واقعاً مثقالی از غیرت در وجودش سراغ شود ، بایست خود ابتکار عمل را در دست گرفته با اعتراف به ناروائی که مرتکب شده ، و با فهم این که از نگاه شخصیتی و در نظر اجتماع افغانی دیگر مرده است ، حداقل ترحم نسبی هموطنان را بر میت خود "با کشیدن خط بینی" به دست آورد. «شبنامه نویس» این را باید بداند که در این روزها ، چنانچه در حداقل دونه نوشته واضحاً به آن اشاره شده است ، هویتش افشاء شده است ؛ و باید تادیر نشده تغییر «تاکتیک» بدهد ورنه پنهان ماندن و سکوت کردن به هیچ وجه به نفعش نخواهد بود. اگر تا حال جناب «موسوی» ، از موضع شخصی و فردی به رد اتهامات «شبنامه نویس» بی آرم پرداخته است ولی همانطوری که همه هموطنان چیز فهم به آن واقف اند و بارها در پیام های همدردی خود به آن اشاره نموده اند ، وی در واقع به دفاع از سازمان پرافتخاری که مورد اهانت قرار گرفته ، از شهدای قهرمان و گلگون کفن میهن ، از مجموع ملت بدون کوچکترین تمایز و تفکیک ، از زنان و از مردان سرزمین ما ، از افغان و افغانیت و به یک کلام ، از انسان و انسانیت ، در برابر خیانت ، جنایت ، ارتجاع و استعمار دفاع به عمل آورده و چنان جوابهای پرمحتوا ، دندان شکن

و عدوسوزارائه کرده اند که هرکه را خون شرف دررگها باشد ، صادقانه فریاد خواهد زد: "به شیری که خورده ای رحمت!"

همه شواهد منعکس شده درپورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» تا حال حاکی ازآنست که «شبنامه نویس» خودفروخته وجبون ازقماش انسانهای زیون وپست فطریست که با تظاهر به دوستی ویرادری وبا سوءاستفاده ازاعتماد طرف مقابل ، چنان به خیانت درمورد وی می پردازد که فقط یک جاسوس گماشته شده ومزدبگیرقادر است آنچنان عمل نموده ، نه تنها شرف وعزت نفس خود را به زورگویان داخلی وبیگانگان استیلاگربفروشد بلکه شرف، حیثیت وآبروی هموطنان مبارز و نترس را هم برای خوشنودی باداران فاشیست خود ونوکران داخلی آنها ، به بازی بگیرد.

من این عنصردنی وبی حیثیت را به «ویروس» همسان می یابم. باوجودی که طبیب نیستم واز علم طبابت هم چیزی نمی دانم ولی همینقدرشنیده ام که «ویروس» که به مراتب به مقایسه «بکتری» کوچکتر است ولی با رخنه دردرون بکتری ، علی الفور به قسمت حیاتی آن حمله ور شده وبا خنثی ساختن آن و آن را درخدمت خود قراردادن ، خود را بدون وقفه کاپی کرده و همزمان به ترشح ماده ای مخصوص به خود می پردازد. به این ترتیب با یک «کودتا»، ویروس مرکز فرماندهی بکتری را خلع سلاح نموده وقدرت را به نفع خود به دست می گیرد... وبه تکثیر خود وبه تهاجم دوباره درجسم مریض می پردازد. من صادقانه اذاکتر صاحبان محترم معذرت می خواهم که گستاخی کرده درساحه ای که با آن شناسائی و صلاحیتی لازم ندارم تثبیت نموده وچه بسا که درموضوع خطا رفته باشم ولی هدف بیان نفرت نسبت به «شبنامه نویس» است که عملکردش کمتر ازبکتری وویروس نیست... واین استعاره به هرصورت درقسمت وی مجاز است.

حال اگر خود «شبنامه نویس» را ویروس وعمل رذیلانه «شبنامه نویسی» اورا بکتری فرض نمائیم. با تثبیت به «کودتا» وبه دست گرفتن «قدرت تکثیرخود» ، وی ظاهراً توانسته است به مراد برسد وبه ضد عنصرشریف ومبارزی چون آقای سید حسین «موسوی» ، به ضد شهدای نامدار و سرفرازراه آزادی ، به ضد یک سازمان طلایه داروقهرمان پرور، وبه ضد زنان ومردان شجاع وسربه کف میهن ، توطئه وتخریب راه بیندازد و... «تاکسین» (زهر) ترشح نموده وباعث زجر و آزارشود. ولی آن کودن بی عقل این بارکاملاً به خطارفته وبه اصطلاح با دم شیربازی نموده است. وی احمقانه می پنداشت که با چنان یک توطئه ناجوانمردانه (که کمتر نظیر آن درکسب خیانت ودنائت دیده شده است) به عناصرشریف ، پاک ومبارزلجن پاشیده وآنها را درانظارهمسان خود نشان خواهد داد بی خبرازاین که وی با شخص طرف نی بلکه با ملت طرف است ؛ آنها با قشرآگاه ، چیزفهم ، ضداستعماری وضدارتجاعی آن.

باهررگبارمنطق و استدلالی که جناب «موسوی» به طرف «شبنامه نویس» و همدستان وی شلیک می کنند ، وبا سیل نامه وپیام همیستگبی که ازهموطنان دریافت می نمایند ، چنان «واکسینی» ضداین حشره پلید درحال تکوین است که حتا اگر هزاربارهم که شده ، به یاری باداران اشغالگرخود ، درلابراتوارهای سی.آی. ای. به تقویت خود پرداخته وخود را ویروس خطرناک جلوه بدهد ، دیگر اثری نخواهد داشت و«واکسین»ی را که هموطنان سربلند وخوشنام دربرابرآن مودی با آن مجهزاند وآن را بروز داده اند ، برای ابد ، «شبنامه نویس» وباداران پیدا وپنهان اورا خنثی ساخته وازکارانداخته است. واین اول کاراست آقای «شبنامه نویس» که کورخوانده اید! هرگاه هویت تان کاملاً برملا شود ، شاید حتا نوع «ویروس» تان هم ازقاموس «علم جاسوسی» به کلی و برای ابد رفته شود...